

The Prophetic Model of Governance Based on a Social Institutional System

Hashem Asadi¹, Abolfazl Khoshmanesh²

Abstract

Governance refers to the set of laws, rules, processes, and mechanisms through which social relations are managed and organized. Social institutions, as stable structures shaped by beliefs, values, norms, and social traditions, play a fundamental role in guiding and regulating social interactions. This study examines the Prophetic model of governance based on an institutional system. The central hypothesis is that whenever the teachings of the Noble Qur'an, in accordance with the Prophetic Sunnah and with the broad acceptance of the Muslim ummah, are implemented in practice, a network of social institutions grounded in those teachings will emerge, and Islamic governance will be realized through the interconnectedness of those institutions. Following a conceptual analysis of the terms governance and institution, this research adopts a historical-sociological approach to analyze the model of Islamic governance during the lifetime of the Prophet Muhammad (peace be upon him). The findings of the study reveal that the Prophet, through the promotion of Islamic social traditions, reformed or established institutions such as the family, education and purification, the mosque, jihad, endowment (waqf) and charitable giving (infāq), enjoining good and forbidding wrong (amr bi-l-ma'rūf wa nahy 'an al-munkar), Friday prayer, pilgrimage (hajj), and others. All of these institutions, under the divine leadership of the Imamate, guided social behavior and interactions toward the realization of ḥayāt ṭayyibah (the good life) and worldly and eternal well-being. Thus, Islamic governance, grounded in divine laws and principles, is manifested through processes and mechanisms operating within the dynamic interplay of elevated institutions.

Keywords: Islamic governance, Quranic governance, social institution, institutional system, social traditions

1. Corresponding author, PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. hashem.asadi@ut.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. khoshmanesh@ut.ac.ir

الگوی حکمرانی نبوی مبتنی بر نظام نهادی اجتماعی

هاشم اسدی^۱، ابوالفضل خوش منش^۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۱۱

چکیده

حکمرانی به مجموعه‌ای از قوانین، قواعد، فرایندها و سازوکارهایی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها روابط اجتماعی مدیریت و سامان‌دهی می‌شود. نهادهای اجتماعی به‌عنوان ساختارهای پایداری، که از عقاید، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شکل گرفته است، نقشی اساسی در هدایت و تنظیم تعاملات اجتماعی دارند. این پژوهش به بررسی الگوی حکمرانی نبوی مبتنی بر نظام نهادی می‌پردازد. فرضیه پژوهش آن است که هرگاه آموزه‌های قرآن کریم مطابق سنت نبوی، با پذیرش حداکثری امت اسلامی، به مرحله اجرا در آید، مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی مبتنی بر آن آموزه‌ها شکل خواهد گرفت و حکمرانی اسلامی در قالب ارتباط شبکه‌ای میان آن نهادها برقرار می‌شود. این پژوهش پس از واکاوی مفاهیم «حکمرانی» و «نهاد»، با رویکردی تاریخی - اجتماعی، به تحلیل الگوی حکمرانی اسلامی در دوران حیات پیامبر اکرم (ص) می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیامبر اکرم (ص) با ترویج سنت‌های اجتماعی اسلام به ایجاد یا ترمیم نهادهایی مانند نهاد خانواده، تعلیم و تزکیه، مسجد، جهاد، وقف و انفاق، امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه و حج و نهادهای دیگری پرداختند که همگی تحت مدیریت الهی نهاد امامت، رفتار و تعاملات اجتماعی را به‌سوی تحقق حیات طیبه و سعادت دنیوی و اخروی هدایت می‌کند و حکمرانی اسلامی، متکی بر قوانین و قواعد الهی، به‌صورت فرایندها و سازوکارهایی در تعامل و ارتباط میان نهادهای متعالی تشکیل می‌شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی اسلامی، حکمرانی قرآنی، نهاد اجتماعی، نظام نهادی، سنت‌های اجتماعی.

۱. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران،

hashem.asadi@ut.ac.ir.

ایران

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

khoshmanesh@ut.ac.ir

مقدمه

حکمرانی مفهومی نوپدید و برساخته اندیشمندان و پژوهشگران معاصر نیست، بلکه امری اجتناب‌ناپذیر در جوامع بشری است که در راستای مدیریت اجتماع، طی فرایندها و سازوکارهایی مبتنی بر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم اجتماعی غالب، به هدایت و تنظیم رفتارها و تعاملات افراد می‌پردازد؛ بنابراین حکمرانی قدمتی به طول عمر زندگی اجتماعی بشر دارد و جوامع انسانی در طول تاریخ انواع حکمرانی را تجربه کرده‌اند و یکی از بهترین انواع حکمرانی تجربه‌شده، حکمرانی اسلامی به شیوه پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) است. چرا که حکمرانی اسلامی نه تنها به دنبال تنظیم روابط میان اجزای گوناگون اجتماع انسانی است، بلکه هدف غایی آن، تحقق عدالت، کرامت انسانی و رضایت الهی و حیات طیبه است.

در این راستا، حکمرانی توحیدی به عنوان الگویی سازگار با اصول اخلاقی و ارزش‌های انسانی می‌تواند به عنوان راهکاری برای تحقق این اهداف مورد بررسی قرار گیرد. قرآن کریم به عنوان منبع اصلی حکمرانی توحیدی اصول و مبانی مهمی را برای تحقق اهداف این نوع حکمرانی ارائه کرده است (فرزندی، شعیب، ۱۴۰۳: ۱۰)؛ لذا مسئله مهم در حکمرانی اسلامی، شناخت الگویی است که بتواند ارزش‌های توحیدی را با الزامات و واقعیت‌های اجتماعی هماهنگ سازد. این مقاله در پی پاسخ به آن است که الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر آموزه‌های توحیدی قرآن و سنت نبوی (ص) چیست؟ آیا می‌توان الگویی ارائه کرد که در عین اتکا به مبانی دینی، از ظرفیت‌های نظام نهادی اجتماعی نیز بهره‌مند باشد؟ این پژوهش بر این فرضیه استوار است که الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر نظام نهادی اجتماعی است؛ بدین معنا که از دل تعالیم قرآن کریم و سنت نبوی، مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی مبتنی بر عقاید و ارزش‌های متعالی اسلام پدید می‌آید و حکمرانی اسلامی در فرایند تعامل و هم‌افزایی آن نهادها شکل می‌گیرد.

چارچوب نظری

در این پژوهش، حکمرانی نه تنها به عنوان ساختار اداری یا نظام سیاسی، بلکه به مانند نظام نهادی اجتماعی تلقی می‌شود که در بستر فرهنگ، ارزش‌ها، هنجارها و باورهای جامعه شکل می‌گیرد و بر کیفیت روابط میان مردم و ساختارهای قدرت تأثیر می‌گذارد. این نگاه با رویکرد نهادگرایی در علوم اجتماعی هم‌راستا است که بر تأثیر نهادها در سامان‌دهی تعاملات اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند.

در چارچوب این پژوهش، مفهوم حکمرانی اسلامی نیز در همین قالب نهادمحور فهم می‌شود؛ بدین معنا که آموزه‌های دینی، به‌ویژه تعالیم قرآن کریم و سنت نبوی(ص)، شکل‌گیری و هدایت نهادهای اجتماعی را با اهدافی چون عدالت، کرامت انسانی، رضایت الهی و تحقق حیات طیبه بنیان می‌نهند. از این دیدگاه، نهادهای اسلامی تجلی عینی نظام نهادی اسلام در راستای تحقق این اهداف است. بر این اساس، مبانی نظری پژوهش بر دو محور استوار است: ۱. رویکرد نهادی در حکمرانی که بر نقش نهادهای اجتماعی در تنظیم مناسبات قدرت و مدیریت منابع عمومی تأکید می‌کند؛ ۲. آموزه‌های اسلامی که نه تنها مشروعیت نهادها را تعریف می‌کند، بلکه نقش آن‌ها را در تحقق غایات الهی و انسانی جهت می‌دهد؛ بنابراین، چارچوب تحلیلی این مقاله تلفیقی از نظریه‌های نهادی در علوم اجتماعی و منظومه مفهومی اسلام درباره ساخت قدرت و نظم اجتماعی است که در بخش‌های بعدی بر پایه آن، الگوی نهادی حکمرانی اسلامی ترسیم می‌شود.

پیشینه شناسی

در رساله «بررسی اصول حکمرانی مطلوب در قرآن و حقوق عمومی» نوشته نسرين كردنژاد با راهنمایی محمدهادی مفتاح، سه اصل حقوق عمومی شامل «حاکمیت قانون»، «شفافیت» و «مسئولیت و پاسخگویی» بررسی شده، و تطبیقی میان این اصول و آیات قرآن کریم صورت گرفته است. این پژوهش نتیجه گرفته است که این اصول با آموزه‌های قرآنی تعارضی ندارند و محوریت خداوند در قانون‌گذاری، مهم‌ترین تفاوت میان تفکر قرآنی و نظام‌های حقوقی است.

سید مجتبی امامی و مجتبی جوادی در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مفهوم حکمرانی در پرتو کلمه «اطاعت» در قرآن کریم»، به تحلیل معارف عمیق قرآنی درباره حکمرانی اسلامی پرداخته‌اند. این پژوهش به رابطه اطاعت با آگاهی و ایمان، اهمیت اختیار انسان‌ها در حکمرانی، سطوح گوناگون اطاعت، نیاز دائمی به اطاعت در انسان و نقش اساسی تقوا در این زمینه توجه ویژه‌ای داشته است. حامد مهرآبادی و جواد قاصد نظامیان در مقاله «نقش علم و تخصص در حکمرانی خوب از منظر قرآن»، به این نتیجه رسیده‌اند که حکمرانی خوب مستلزم بهره‌گیری از تخصص‌های برتر است که ویژگی‌هایی چون کیفیت، دقت، رعایت زمان‌بندی و ضمانت اجرایی دارند؛ همچنین تأکید کرده‌اند که اهداف این استفاده شامل انجام عمل صالح، خدمت به بندگان خدا و تأمین حکومت صالح است.

حسن رنگریز در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر تعالیم دینی» تلاش کرده است الگویی جامع برای حکمرانی اسلامی ارائه دهد. یافته‌های او نشان می‌دهد این نوع حکمرانی نیازمند طرح‌واره‌ای جامع برای شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. این طرح شامل الگوسازی در قالب مخازن حکمرانی نرم و سخت است. علی عرفانی‌فر در پژوهش خود با عنوان «الگوی حکمرانی اسلامی؛ اهداف، مبانی نظری، مؤلفه‌ها، شاخص‌ها، ساختارها» به ارائه چارچوبی جامع برای تنظیم روابط حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پرداخته، و تأکید کرده است که انسجام درونی، توسعه و هم‌افزایی بخش‌های گوناگون نظام از جمله اهداف اصلی حکمرانی اسلامی است و این موارد به تفصیل در پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که پژوهش‌ها بیشتر ذیل مبحث حکمرانی خوب یا مطلوب انجام شده است و درباره الگوی حکمرانی اسلامی بحثی ندارند. تنها دو مورد اخیر در زمینه الگوی حکمرانی اسلامی است که هیچ‌یک از آنها الگوی حکمرانی اسلامی از دید نظام نهادی (نهادهای اجتماعی) را مورد بررسی قرار نداده‌اند و هیچ پژوهشی (نه داخلی و نه خارجی) یافت نشد که الگوی حکمرانی اسلامی را مبتنی بر نظام نهادی، یا به عنوان یک نهاد اجتماعی مورد بررسی قرار داده باشد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با هدف تحلیل و تبیین الگوی حکمرانی اسلامی مبتنی بر نظام نهادی اجتماعی، از رویکردی تحلیلی و توصیفی استفاده کرده است. در این راستا، پژوهش به‌طور عمده به بررسی و تحلیل آموزه‌های قرآن کریم، منابع روایی و کتاب‌های تفسیری و تحلیل تطبیقی آنها با مطالعات نظری در حوزه‌های علوم اجتماعی، مدیریت و حکمرانی تمرکز دارد تا چارچوب‌های مفهومی و کاربردی این الگو را روشن سازد؛ بنابراین روش پژوهش این مقاله به‌صورت ترکیبی از تحلیل محتوا و مقایسه تطبیقی است. در بخش نخست، از طریق تحلیل متنی، مفاهیم کلیدی در حوزه حکمرانی و علوم اجتماعی به‌ویژه در زمینه نهادهای اجتماعی استخراج شده است. در بخش دوم، با استفاده از مقایسه و تطبیق مفاهیم، برخی نهادهای اسلامی که در صدر اسلام اصلاح یا ایجاد شده، مورد

بررسی قرار گرفته است. برای تکمیل پژوهش، منابع اسنادی و کتابخانه‌ای شامل مقالات علمی، کتاب‌ها و گزارش‌های پژوهشی معتبر، به‌عنوان مبنای تحلیل قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

حکمرانی

واژه حکمرانی^۱ در زبان فارسی به‌معنای عمل و شغل حکمران، فرماندهی و حکومت است (دهخدا). این واژه از سه جزء شامل «حکم»، «ران» و «یاء» تشکیل شده است. «ران» از مصدر فارسی «راندن» دو معنا دارد؛ یکی در معنای دفع و دورکردن و طردکردن و بیرون‌کردن و دیگری به‌معنای حرکت‌دادن؛ مانند راندن رمه و راندن سپاه و راندن کشتی است (دهخدا) که در حالت پسوندی، به‌معنای اجرا، پیش‌بردن، راهبری، اداره‌کردن، هدایت و مانند آن است و نشانه «یاء» نیز نوعی معنای مصدری را به کلمه می‌افزاید مانند «کشتیرانی»، «قایقرانی» و «سخنرانی».

اما «حکم» در لغت به‌معنای منع و بازداشتن است (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۸۴) و اصلی‌ترین بازداشتن، منع از ظلم (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲: ۹۱) و بازداشتن از نزاع و درگیری است (عسکری، ۱۴۰۰: ۱۸۴). حکیم به کسی می‌گویند که مردم را از فساد و تباهی باز می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۱: ۱۸۲؛ آزدی، ۱۳۸۷: ج ۱: ۳۳۵). افسار حیوان را از این‌رو «حَکْمَةُ الدَّابَّةِ» نامیده‌اند که از دویدن بی‌محابای اسب جلوگیری می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۳: ۶۷). حکمت صاحب خود را از اخلاق پست باز می‌دارد (فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲: ۱۴۵). مراد از صفت حکیم برای قرآن کریم در آیه شریفه: «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» آن است که از فساد و تباهی ممنوع و اختلاف و دروغی در آن نیست (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۵: ۱۳۳). حاکم به کسی گویند که از ظلم ممانعت می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۲: ۱۴۱) و حُکْم عبارت است از فصل خصومت و قطع و از بین‌بردن منازعه (رشتی، ۱۴۰۱: ج ۱: ۱۰۷؛ رستم باز لبنانی، ۱۹۸۸: ج ۲: ۱۱۶۱)؛ بنابراین حکمران کسی است که از ظلم و فساد و تباهی جلوگیری می‌کند و حکمرانی مجموعه‌ای از اقدامات مانند قانونگذاری، سیاست‌گذاری، ایجاد سازوکارهای اجرایی، نظارت، ارزیابی، کنترل، قضاوت و... است که مانع از ظلم و فساد و تباهی شود.

در همین حال پژوهشگران فارسی‌زبان معاصر، حکمرانی را برابر واژه لاتین Governance قرار داده‌اند که به لحاظ ریشه‌شناسی از کلمه یونانی Kubernan به معنای «راندن» یا «هدایت کردن» است. این اصطلاح یونانی، ریشه واژه Gubernare در لاتین قرون وسطی است که در ارتباط با سکان‌داری (هدایت و کنترل کشتی) به کار می‌رفته و در معنای راندن، هدایت کردن، یا فرمان دادن به حوزه‌های مدیریتی تعمیم یافته است و به معنای اداره کردن یا حکومت کردن به کار رفته است (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰: ۷۱). در دوران معاصر موضوع حکمرانی (Governance) با تحول و گسترش معنایی، به واژه‌ای محبوب با کارکردی متفاوت از گذشته تبدیل شده است (ویمتال^۱، ۲۰۰۷: ۵) و تعاریف گوناگونی برای این واژه ارائه شده است. مارک بیور حکمرانی را شامل تمامی فرایندهای حکومت کردن، تصمیم‌سازی، هماهنگی و سامان‌دهی به کنشگران و ذی‌نفعان و گونه‌های سازمانی می‌داند که حیطه آن می‌تواند شامل خانواده، قوم، سازمان رسمی یا غیر رسمی و یا یک سرزمین باشد که از طریق قوانین، هنجارها، قدرت یا زبان انجام می‌شود (بیور^۲، ۲۰۱۲: ۱۸). پیتز بلانت حکمرانی را شامل سازوکارها، فرایندها و روابط و نهادهای پیچیده‌ای می‌داند که از طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های ذی‌نفع، حقوق و تعهدات خود را اعمال، منافع خود را دنبال و اختلافات خود را حل و فصل می‌کنند (بلانت^۳، ۱۹۹۷: ۸). بنجامین فنک در تعریف حکمرانی به فرایندها، سازوکارها و سازمان‌های نظارتی اشاره می‌کند که از طریق آن‌ها بازیگران سیاسی بر اقدامات و نتایج محیطی تأثیر می‌گذارند (فنک^۴، ۲۰۲۴: ۱۴۹). کمیسیون حکمرانی جهانی، حکمرانی را شامل مجموعه‌ای از فرایندها و سازوکارهای گوناگون و پیوسته می‌داند که به مدیریت امور مشترک و ایجاد تعادل میان منافع متضاد و متنوع افراد و نهادهای اجتماعی می‌پردازد (کمیسیون حکمرانی جهانی^۵، ۱۹۹۵).

بر این اساس حکمرانی به مجموعه‌ای از فرایندها، سازوکارها و روابطی اطلاق می‌شود که از طریق آن‌ها تعاملات و روابط میان افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی مدیریت و سامان‌دهی می‌شود. این مفهوم گستره‌ای از خانواده و گروه‌های کوچک تا سازمان‌های بزرگ و حتی سطح کلان جوامع و دولت‌ها را دربر می‌گیرد. اما به نظر می‌رسد این تعاریف، ناظر بر نوع خاصی از حکمرانی

-
1. Vymětal
 2. Bevir
 3. Blunt
 4. Fenech
 5. Commission on Global Governance

با ویژگی‌های مثبت مانند مشارکت همه ذی‌نفعان، هدایت، تنظیم و ساماندهی تعاملات میان افراد و گروه‌ها و تعادل در منافع و... است. در حالی که به‌طور کلی واژه حکمرانی مفهومی خنثی و فاقد بار ارزشی مثبت یا منفی است و خوب یا بد آن به عناصر دیگری در درون حکمرانی بستگی دارد. چنانکه اگر حکمرانی نمایانگر رابطه‌ای بنیادین و سیاسی میان مردم و ساختار نهادی قدرت دولت باشد، با مشارکت مردم در عرصه قدرت و مدیریت کشور می‌تواند کارآمدی و بهبودی وضعیت در همه ابعاد سیاسی اقتصادی و فرهنگی و... را سبب شود (محمودی، حبیبی و جمrاسی، ۱۴۰۱: ۴۴) و یا در نقطه مقابل، بدون مشارکت و همراهی مردم، به‌نوعی حکمرانی مستبدانه بدل شود.

رابطه حکومت و حکمرانی

حکومت (Government) عبارت است از فرمانروایی کردن بر یک شهر یا کشور و اداره کردن شئون اجتماعی و سیاسی مردم (آکسفورد، ۲۰۲۴) که توسط یک سازمان یا مجموعه‌ای از سازمان‌های دولتی، اصول و مقررات حکمرانی را عملیاتی می‌کند (پلامپتر و گراهام^۲، ۱۹۹۹: ۲) و به‌طور خاص به ارگان‌های رسمی (مانند قوه مجریه، مقننه و قضاییه) دلالت می‌کند. اما حکمرانی (Governance) به‌جای تأکید بر سازمان‌ها و نهادهای رسمی، بر فرایندها و سازوکارهای مدیریت دلالت دارد که مفاهیمی انتزاعی هستند (بیور^۳، ۲۰۱۲: ۱۱) از این‌رو خود حکومت نیز یکی از اجزای حکمرانی به‌شمار می‌رود. به تعبیر دیگر «حکمرانی» عبارت است از فرایندهای هدایت‌گری و تنظیم‌گری در راستای تسهیل‌گری زندگی اجتماعی و «حکومت» تنها یکی از نهادهایی است که در برقراری و اجرای بهتر فرایندهای حکمرانی نقش دارد.

جدول ۱. تفاوت‌های کلیدی حکمرانی و حکومت

حکمرانی (Governance)	حکومت (Government)
به فرایندها، سیاست‌ها و شیوه‌ها اشاره می‌کند.	به یک نهاد یا گروه مشخص اشاره می‌کند.
انتزاعی و مفهومی است.	قابل لمس و سازمانی است.
شامل کنش‌گران رسمی و غیررسمی است.	وابسته به قدرت رسمی و قانونی است.
مثال: هدایت‌گری و تعیین چارچوب تعاملات	مثال: دولت، مجلس، سازمان‌های رسمی

1. Oxford English Dictionary
2. Plumptre, T., & Graham
3. Bevir

تاریخچه حکمرانی

واژه حکمرانی (Governance) از بُعد واژه‌شناسی، در قرون وسطی، بیشتر به معنای حکومت و اعمال قدرت متمرکز به کار می‌رفته و ناظر به نقش پادشاهان، اشراف و مقامات درباری در مدیریت کشورها بوده است. با آغاز انقلاب‌های سیاسی در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ میلادی، این واژه با ایده‌هایی مانند مردم‌سالاری و مشارکت مردمی دچار تحول معنایی شد و در پایان قرن بیستم، به اصطلاحی علمی و مدیریتی گسترش یافت. تا جایی که از دهه ۱۹۸۰ میلادی، تعبیر «حکمرانی خوب» (Good Governance) به معنای نظام‌های شفاف، مسئولیت‌پذیر و پاسخگو در مدیریت عمومی فراگیر شد (بیور، ۲۰۱۲: ۱۰). اما حکمرانی از حیث ماهیت، قدمتی به طول زندگی اجتماعی بشر دارد. به این معنا که هرگاه گروهی از انسان‌ها، زندگی جمعی را تجربه کرده‌اند، در پاسخ به نیازهای اجتماعی خود، نوعی از مدیریت و تنظیم روابط را به کار بسته‌اند که امروزه نام آن را حکمرانی نهاده‌اند. از این‌رو حتی نظام برده‌داری نیز که امروزه بسیار مذموم شمرده می‌شود، در دوره‌ای از تاریخ، بخشی از سازوکارهای حکمرانی در راستای مدیریت منابع بوده است.



شکل ۱. تاریخچه حکمرانی

مفهوم شناسی نهاد

واژه نهاد^۱ در فرهنگ لغات فارسی مصدر مرخم و اسم مصدر و ریشه فعل نهادن به معنای گذاشتن، قراردادن و هشتن است و معانی نهادن، استقرار، اداء، سازمان، مؤسسه و اساس را برای نهاد در نظر

گرفته‌اند (دهخدا، ۱۳۷۲ش، ج ۱۴: ۲۰۲۲۵)؛ همچنین نهاد را معادل واژه لاتین Institution قرار داده‌اند که هم‌ریشه با Institute از فعل Instituire به معنی مستقرکردن، بنانهادن، تأسیس یا تثبیت کردن است. کلمه Institutum به معنای نهاد، عرف یا رسم و کلمه Institutio به معنای نهاد، نظام، آموزش یا روش، از مشتقات اسمی فعل Instituire هستند. واژه Institution در زبان انگلیسی به معنای نهاد، سازمان یا رسم پذیرفته شده، مستقیماً از واژه لاتین Institutio گرفته شده است (آکسفورد^۱، ۲۰۲۴). این واژه با کلمات «institute» در انگلیسی، «estable» در اسپانیایی، «اساس» در عربی و «استوار» و «استقرار» در فارسی، نوعی همسانی معنایی و زبانی دارد که در همه آنها به نوعی مفهوم استقرار، استحکام، دوام و پایداری نهفته است. این شباهت‌های زبانی حکایت از مهاجرت واژگان از یک زبان به زبان‌های دیگر دارد.

اما نهاد در علم جامعه‌شناسی به پدیده‌ای اجتماعی اطلاق می‌شود که از آن به عنوان قواعد بازی در جامعه یاد کرده‌اند. این قواعد، اعم از قواعد رسمی (مانند قوانین و مقررات) و قواعد غیر رسمی (مانند هنجارها و عرف‌های اجتماعی)، تعاملات میان افراد را تنظیم و پیش‌بینی‌پذیر می‌کند و به دلیل پایداری، به کاهش عدم اطمینان در زندگی اجتماعی کمک می‌کند (نورث^۲، ۱۹۹۰: ۳)؛ همچنین نهادها را ساختارهای اساسی و پایدار در فرایندهای اجتماعی می‌دانند که از مجموعه‌ای از قوانین، هنجارها و آداب اجتماعی شکل یافته است و رفتار افراد را هدایت می‌کند (کالورت^۳، ۱۹۹۵: ۱۲۰)؛ همچنین نهادها را مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها و شیوه‌های اساسی فعالیت اجتماعی نامیده‌اند که اساس جامعه را تشکیل می‌دهند و در طول زمان پایدار است و با ضمانت‌های اجرایی قوی حمایت می‌شود (گیدنز^۴، ۲۰۰۹: ۷۸۵).

-
1. Oxford English Dictionary
 2. North
 3. Calvert
 4. Giddens

جدول ۲. تجزیه و تحلیل تعریف نهاد

صاحب نظر	شکل	عناصر مؤثر در شکل گیری	کارکرد
نورث	قواعد اجتماعی پایدار	قوانین، مقررات، هنجارها، عرفها	تنظیم و پیش‌بینی پذیر کردن تعاملات اجتماعی، کاهش عدم اطمینان
کالورت	ساختارهای اجتماعی پایدار	قوانین، هنجارها و آداب اجتماعی	هدایت رفتار افراد و حفظ ساختارهای اجتماعی
گیدنز	اساس اجتماعی پایدار	هنجارها، ارزشها	شکل‌دهی به شیوه‌های اساسی فعالیت‌های اجتماعی

با توجه به وجوه اشتراک این تعاریف، می‌توان گفت: نهادها مجموعه‌ای از باورها، قواعد، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و نقش‌های اجتماعی هستند که در ساختارهای اجتماعی استوار و پردوام به تنظیم و پیش‌بینی پذیرکردن تعاملات، هدایت و تنظیم رفتارهای فردی و سازماندهی و شکل‌دهی به فعالیت‌های اجتماعی منجر می‌شوند.

مفهوم نظام نهادی

نظام نهادی^۱ به مجموعه یا شبکه‌ای از نهادها اطلاق می‌شود که نیازهای اساسی انسان و جامعه را هر یک به صورتی پاسخ می‌دهند. در تعریف دقیق‌تر، نظام نهادی به مجموعه‌ای از نهادها و سازوکارهای اجتماعی اشاره می‌کند که نقش‌ها، روابط و تعاملات اجتماعی را در راستای تحقق نیازهای اجتماعی و حفظ نظم اجتماعی سازمان‌دهی می‌کنند (متیوس^۲، ۲۰۱۴: ۱۰۰۶). در نظام نهادی، نهادها در ارتباط متقابل با یکدیگر رفتار می‌کنند و از تعامل و هم‌افزایی این نهادها، ساختار کلان و مستحکم اجتماعی شکل می‌گیرد. به عنوان مثال: «خانواده»، «اقتصاد»، «آموزش و پرورش»، «حقوق» و «حکومت» از جمله نهادهای اجتماعی هستند که در راستای نیازهای اساسی انسان و جامعه، یک نظام نهادی اجتماعی را شکل داده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۲۹۹).

اهتمام اسلام به امر اجتماع

علامه طباطبایی ذیل تفسیر آیه ۲۰۰ سوره آل عمران بحث بسیار گسترده‌ای درباره این مسئله دارد که اسلام اهتمام ویژه‌ای به امر اجتماع دارد. تنها دین آسمانی که صبغه اجتماعی دارد، اسلام است.

1. Social Institutional System
2. Matthews

آنگاه برای تبیین این سخن، به این نکته توجه می‌دهد که قرآن کریم اغلب در آیاتی که حاوی اوامر و نواهی و اجرای حدود الهی است، خطاب را به عموم مؤمنین معطوف می‌دارد و نه به شخص پیامبر اکرم (ص). مانند اینکه می‌فرماید: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ» (نساء: ۷۷)، «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (بقره: ۱۹۵)، «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ» (بقره: ۱۸۳)، «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۰۴)، «وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ» (مائده: ۳۵)، «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ» (حج: ۷۸)، «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا» (نور: ۲)، «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» (مائده: ۳۸)، «وَلَكُمْ فِي الْفَصَاصِ حَيَاةٌ» (بقره: ۱۷۹)، «وَأَقِمْوَا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ» (طلاق: ۲)، «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳) و موارد بسیاری دیگر (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ۱۲۲). توجه به خطابات این آیات و عموم آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که اسلام دینی است که مسئولیت برپایی و اجرای احکام الهی را بر دوش آحاد جامعه قرار داده است. اهتمام اسلام به امر اجتماع تا جایی است که حتی در نماز و نیایش نیز به این امر توجه دارد. چنانکه در سوره فاتحه که قرائت آن در تمام نمازهای واجب و مستحب ضرورت دارد، به گاه دعا و نیایش از ضمایر متکلم مع‌الغیر مانند «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ * اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» استفاده شده است تا نمازگزار را در جایگاه عضوی از اجتماع بزرگ مؤمنان قرار دهد و این اهتمام بدان حد است که حتی در خصوصی‌ترین حالت عبادت که نماز فرادا است، همچنان قرائت سوره فاتحه به همین گونه واجب است. پیام عمیق این ساختار زبانی این است که نمازگزار، حتی در خصوصی‌ترین شکل عبادت، خود را عضوی از جامعه بزرگ ایمانی می‌بیند و با آنان در نیایشی مشترک برای استعانت و طلب هدایت از خداوند متعال همراه می‌شود. این نکته، نشانگر آن است که نماز در اسلام نه تنها ارتباطی فردی با خداوند، بلکه حرکتی جمعی برای تحقق آرمان‌های قرآنی است.

نهادهای اجتماعی اسلام

نظر به تعریف نهاد، فرضیه پژوهش این است که الگوی حکمرانی نبوی، مبتنی بر نظام نهادی اجتماعی است. به این معنا که آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک را در قلب و روح فرد فرد جامعه نهادینه کرده است و با ارتقای مسئولیت‌پذیری و به حرکت در آوردن مجموعه بزرگ انسانی در مسیر حق، زمینه لازم برای فراگیرشدن تعالیم علمی و عملی اسلام در قالب اوامر و نواهی الهی و گسترش عقاید و ارزش‌های اسلامی در اجتماع مؤمنان را فراهم کرده است که به شکل‌گیری فرهنگ متعالی اسلام در اجتماع مؤمنان منجر شده است و

متناسب با نیازهای اجتماعی، به تدریج تبدیل به ساختارهای اجتماعی شده و در فراگرد تکرار و استمرار، نهادهای اولی (مانند خانواده) مطابق فرهنگ اسلامی، بازسازی و نهادهای ثانوی متناسب با نیازهای جامعه اسلامی ایجاد شده است. از مجموع این نهادهای اولی و ثانوی، نظام نهادی اجتماعی متعالی به منظور مدیریت کلان جامعه تشکیل شد که همان حکمرانی نبوی مبتنی بر نظام نهادی اجتماعی است. توجه به چند نمونه از نهادهای اجتماعی اسلام که در صدر اسلام به ابتدای آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی ترمیم یا ایجاد شد، به تبیین فرضیه کمک شایانی می‌کند و مبرهن است که مشخص کردن و برشمردن تمامی نهادهای اجتماعی اسلام در مجال این پژوهش نمی‌گنجد و مستلزم پژوهشی مستقل است. باوجود این در ادامه ضمن ارائه شاخص‌هایی برای شناسایی نهادهای اجتماعی اسلام، مواردی از نهادهای اجتماعی صدر اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شاخص‌های نهادهای اجتماعی اسلام

برای شناسایی و تعریف «نهادهای اجتماعی اسلام»، باید مجموعه‌ای از شاخص‌ها (معیارها) ارائه کرد که بر اساس آن بتوان نهادبودن یک پدیده یا ساختار را سنجید. این شاخص‌ها باید از دل منابع اسلامی (قرآن کریم، سنت نبوی و سیره اهل بیت) و با درک جامعه‌شناختی از مفهوم نهاد، استخراج شود. بر این اساس در ادامه، مهم‌ترین شاخص‌های قابل پیشنهاد برای نهادهای اسلامی آورده شده است:

۱. پایداری و استمرار در طول زمان
۲. ریشه‌مندی در آموزه‌های توحیدی و اخلاقی
۳. دارای ساختار، سازوکار و پذیرش اجتماعی
۴. امکان بازتولید و انتقال از نسلی به نسل دیگر
۵. دارای ارتباط نهادی با دیگر نهادهای اسلامی

۱. نهاد امامت

نهاد امامت نسبت به بقیه نهادها نقش محوری دارد و به تعبیری به‌عنوان هدایت‌گر و راهبر دیگر نهادهای اجتماعی رفتار می‌کند. این نهاد به‌معنای رهبری فکری و دینی جامعه و مدیریت صحیح اجتماع بشری و محوریت تمامی جریان‌ات سیاسی و اجتماعی، در راستای رشد و تعالی و هدایت تکاملی انسان‌ها، در همه مراحل و ابعاد، حتی شکل ظاهری و کیفیت زیستن، از بنیادی‌ترین اصول اعتقادی شیعه است (خلجی، ۱۳۸۷: ۷). این نهاد در دوران حیات پیامبر اکرم (ص) توسط خود آن

حضرت اداره می‌شد و بنابر عقیده شیعه پس از پیامبر(ص) جایگاه امامت به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) منتقل شده است و هم اکنون از پس پرده غیبت، برقرار و استوار است که ادله آن در جای خود ارائه شده است (خوش‌منش، ۱۳۹۱: ۹۳) چنانکه امام رضا(ع) فرموده‌اند: «همانا امامت، زمام دین و نظام مسلمین و صلاح دنیا و عزت مؤمنین است. همانا امامت ریشه اسلام فزاینده و شاخسار روینده آن است. به وجود امام است که نماز و زکات و روزه و حج و جهاد درست آید و فواید عامه و صدقات و اجرای حدود و احکام عملی شود و مرزها و نواحی سرزمین اسلام پاسداری گردد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۰۰).

۲. نهاد خانواده

خانواده از نهادهای اولی و از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است. اما این نهاد مهم در دوران جاهلیت، دچار اختلال و آسیب‌های فراوانی شده بود. چنانکه فرزند دختر را مایه ننگ می‌دانستند (نحل: ۵۸) و زنان از اولین حقوق انسانی خود محروم بودند (ماوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۸: ۶۸). اما اسلام این نهاد اجتماعی را به جایگاه اصلی‌اش بازگرداند و آن را به یک نهاد مقدس تبدیل کرد. چنانکه قرآن کریم خانواده را از آیات و رحمت الهی و مایه آرامش و محبت معرفی می‌فرماید (روم: ۲۱) و مؤمنان را بر حفظ اعضای خانواده از گناه و انحراف امر فرموده است (تحریم: ۶) و همسران را به لباس که نماد آرامش و امنیت است تشبیه می‌کند (بقره: ۱۸۷). این تشبیه نمایانگر روابط عمیق عاطفی میان زن و مرد است که به تأمین امنیت روانی و اخلاقی اشاره می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۶۵۰).

۳. نهاد تعلیم و تزکیه

نهاد تعلیم و تزکیه که در زبان فارسی به‌جای آن از اصطلاح «آموزش و پرورش» استفاده می‌شود، یکی از نهادهای اولی در هر جامعه انسانی است. اما اهمیت ویژه‌ای که اسلام برای این نهاد قائل شده، آن را به درجه‌ای از قداست رسانده است. نخستین آیات قرآن که بر پیامبر (ص) نازل شد به خواندن، نوشتن و علم‌آموزی اشاره می‌کند (علق: ۵-۱). قرآن کریم مهمترین هدف بعثت پیامبران را تعلیم و تزکیه انسان‌ها عنوان فرموده، و این دو مفهوم را مکمل یکدیگر قرار داده است (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲). چراکه تعلیم بدون تزکیه و تزکیه بدون تعلیم، نمی‌تواند جامعه را به سعادت واقعی برساند؛ بنابراین اسلام تأکید فراوانی به مسئله تعلیم و تزکیه دارد. به همین دلیل از مهمترین اقدامات پیامبر اکرم (ص) که به‌زودی پایه‌های تمدن اسلامی را بنا نهاد، نهضت علم‌آموزی بود که عظمت و اقتدار تمدن اسلامی را به ارمغان آورد (پاک‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۳۹).

۴. نهاد مسجد

طبق گزارشات تاریخی از صدر اسلام، مساجد نه تنها محل عبادت، بلکه مرکز تصمیم‌گیری، مشورت، تعلیم و تربیت، قضاوت و حتی سامان‌دهی امور نظامی بوده است. پیامبر اسلام (ص) پس از ورود به مدینه، در راستای برپایی حکمرانی اسلامی، پیش از هر اقدامی، به ساخت مسجد پرداخت. این تصمیم نشان‌دهنده نقش محوری مسجد به عنوان مرکز اجتماعی جامعه نوپای اسلامی بود؛ مرکزی که از جاذبه معنوی نیرومندی برخوردار بود و کارکردهای متعددی داشت. به عبارت دیگر، تمامی نهادهای اساسی حکمرانی اسلامی در مسجد خلاصه می‌شد. مسجد ستاد فرماندهی لشکر اسلام، مرکز قضایی و پایگاهی برای سازمان‌دهی امور اجتماعی بود. علاوه بر این، مسجد کانون اصلی پیوند معنوی با خداوند، تقویت ایمان و نشر معنویت اسلامی بود. به طور کلی، مسجد به عنوان محور تشکیلات اسلامی بود و تمامی نهادهای مورد نیاز به منظور استقرار حکمرانی اسلامی را در خود جای داده بود (حسینی هرنادی، ۱۳۹۹: ۲۶). امام خمینی (ره) درباره اهمیت مسجد می‌فرماید: «این مسجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام. در صدر اسلام، از این مسجدها همه چیز بیرون می‌رفت؛ مسجد محل قضاوت بود، مسجد محل بسیج بود. بسیج سپاه بود، این مسجدها را باید شما محکم نگه دارید...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵: ۱۴).

۵. نهاد اقتصاد

نهاد اقتصاد در حکمرانی اسلامی، نهادی هنجاری، اخلاقی و اجتماعی است که مبتنی بر ارزش‌های توحیدی و در پرتو آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبوی (ص)، به تنظیم مناسبات مالی و اقتصادی جامعه می‌پردازد. این نهاد با هدف تحقق عدالت اقتصادی، رفع فقر و استضعاف (بقره: ۱۸۸) و تضمین کرامت انسان‌ها (بقره: ۲۶۴)، از طریق شکل‌دهی به ساختارهای اجتماعی با صبغه الهی، تعادل میان منافع فردی و مصالح جمعی را برقرار می‌سازد. چارچوب‌های اجرایی این نهاد، بر مجموعه‌ای از قواعد شرعی استوار است؛ از جمله: خمس (انفال: ۴۱) که بخشی از درآمدها را به مصالح عمومی اختصاص می‌دهد، زکات (توبه: ۶۰) به عنوان سازوکار نهادی حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، انفاق (بقره: ۲۷۴) و صدقات که روح تعاون اجتماعی را تقویت می‌کند، تحریم ربا (آل عمران: ۱۳۰) برای جلوگیری از بهره‌کشی مالی، منع اسراف (اعراف: ۳۱) و احتکار (توبه: ۳۴) برای حفظ تعادل در مصرف و توزیع. این نهاد در کنار این احکام، به اصل توزیع عادلانه منابع نیز متعهد

است (حشر: ۷). در این منظومه الهی، اقتصاد نه تنها ابزاری برای تولید ثروت، بلکه سازوکاری الهی برای برقراری توازن اجتماعی، تقویت همبستگی ایمانی و زمینه سازی برای تحقق حیات طیبیه است.

۶. نهاد قضاوت

نهاد قضاوت در اسلام، نهادی ریشه دار و ساختاریافته در منظومه حکمرانی اسلامی است که کارکردی اجتماعی، تربیتی و ساختاری دارد. این نهاد با تکیه بر مبانی توحیدی، در پرتو آموزه های قرآن کریم، مسئولیت تنظیم روابط حقوقی، حل و فصل منازعات، صیانت از حقوق عمومی و خصوصی و تحقق عدالت اجتماعی را برعهده دارد. قضاوت در اسلام، نه تنها صدور حکم، بلکه فرایندی نهادینه شده برای اقامه قسط در جامعه است؛ فرایندی که در آن علم، عدالت، تقوا و بی طرفی از شروط بنیادین قاضی به شمار می رود. تأکید قرآن کریم بر داوری عادلانه (نساء: ۵۸)، حکم بر اساس قوانین الهی (مائده: ۴۹) و نهی از داوری بر پایه امیال شخصی (ص: ۲۶)، نشان دهنده جایگاه نهاد قضاوت به عنوان یکی از ستون های نظم اجتماعی و یکی از مظاهر تجلی حکمرانی الهی در جامعه است.

۷. نهاد امر به معروف و نهی از منکر

نهاد «امر به معروف و نهی از منکر» تجلی گاه مشارکت مردمی در حکمرانی است و نقش بسزایی در اصلاح امور اجتماعی و پیشگیری از هنجارشکنی و ارتکاب جرم دارد. قرآن کریم آمران به معروف و ناهیان از منکر را از بهترین امت ها می داند (آل عمران: ۱۱۴۰) که هرگاه خداوند به آنها قدرت (حاکمیت) اعطا کند نماز را به پا می دارند و زکات می پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند (حج: ۴۱). امیرالمؤمنین علی (ع) نتیجه ترک این فریضه را تسلط اشرار بر جامعه عنوان فرموده اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۵۲).

بنابراین در حکمرانی اسلامی، نظارت بر امور اجتماعی، از رفتار و عملکرد حاکمان و مسئولان گرفته تا اعمال و رفتار تک تک افراد جامعه - البته تنها در حریم عمومی - برعهده عموم مردم است. هرچند اجرای دقیق و فراگیر این فریضه، همواره با چالش هایی روبه رو بوده و همواره عده ای از درون جامعه اسلامی به مخالفت با این فریضه برخاسته اند که این خود بیانگر علت تأکید مکرر آیات و روایات بر این امر است که اگر مقاومتی در برابر آن نمی شد، نیازی به این حجم از سفارش نبود. فریضه امر به معروف و نهی از منکر باید بر پایه باورها و ارزش های اسلامی، در فرایند آموزش

عمومی و تکرار و تداوم، به نهادی اجتماعی تبدیل شود تا زمینه مشارکت حداکثری مردم در حکمرانی باشد.

۸. نهاد نماز جمعه

نماز جمعه یکی از نهادهای اختصاصی اسلام است که در ادیان آسمانی پیش از اسلام سابقه‌ای ندارد. این عبادت هفتگی که با جهت‌گیری عبادی و سیاسی و با حضور جمع زیادی از مؤمنان برگزار می‌شود، نقش مهمی در جامعه‌سازی بر اساس باورها و ارزش‌های دینی ایفا می‌کند. اهمیت نماز جمعه به عنوان عاملی وحدت‌آفرین که در قرآن کریم نیز سوره‌ای به نام «جمعه» به آن اختصاص یافته، در جامعیت این فریضه نهفته است. نماز جمعه از یک سو جنبه معنوی و عبادی دارد و از سوی دیگر واجد ابعاد اجتماعی و سیاسی است. این فریضه در زمان حضور امام معصوم (ع) واجب عینی و در دوران غیبت کبری واجب تخییری به‌شمار می‌رود. قرآن کریم مؤمنان را به ترک کارهای روزمره و حضور در نماز جمعه دعوت فرموده است (جمعه: ۹). سوره جمعه، سوره جامعه، سوره تسبیح و تقدیس، سوره ذکر کثیر، سوره خروج از امت و جاهلیت و ورود به مدینه تزکیه و تعلیم کتاب حکمت محمدی است. سوره‌ای است که امت را در باب تجهیز به اقتصاد و معاشی سالم و قوی تنبیه می‌دهد و او را از خطر سیطره دشمنان، به‌ویژه در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی تحذیر می‌کند (خوش‌منش، ۱۳۸۹: ۲۸۴).

نماز جمعه به عنوان نهادی اجتماعی در ساختار حکمرانی اسلامی، نقش بسزایی در تعلیم و تربیت، انتقال باورها و ارزش‌های اجتماعی و تقویت روح همبستگی و عطوفت میان مسلمانان دارد. این نهاد با آثار و برکات فراوان خود به‌ویژه در ابعاد اجتماعی و سیاسی، تأثیر عمیقی بر ساختار اجتماعی و حکمرانی اسلامی می‌گذارد. نماز جمعه به عنوان نهادی اجتماعی و فرهنگی در حکمرانی اسلامی، نه تنها به ترویج اصول دینی و اخلاقی می‌پردازد، بلکه سبب تقویت همبستگی اجتماعی، پیشگیری از تفرقه و گسست و افزایش مشارکت مردم در فرایندهای اجتماعی و حکومتی می‌شود.

۹. نهاد جهاد (امنیت)

امنیت از اساسی‌ترین نیازهای اجتماع انسانی و بستری ضروری برای رشد و تعالی جامعه است. به همین دلیل وظیفه حفظ امنیت جامعه اسلامی، تنها بر عهده یک سازمان نظامی نیست، بلکه به صورت نهادی اجتماعی، مقدس و مزین به روح ایثار و فداکاری است. قرآن کریم در ۴۵ آیه به موضوع قتال و در ۲۹ آیه به موضوع جهاد اشاره فرموده است. مراد از قتال به طور مشخص جنگیدن

در میدان نبرد سخت با دشمنان است؛ اما جهاد معنای گسترده‌تری دارد و شامل هر گونه تلاش در راه حفظ دین و جامعه اسلامی می‌شود؛ بنابراین خداوند متعال در هشت آیه از آیاتی که موضوع جهاد را مطرح فرموده، به جهاد با مال و جان اشاره می‌فرماید (صف: ۱۱؛ نساء: ۹۵، حجرات: ۱۵، توبه: ۱۹، ۴۰، ۴۳، ۸۰ و ۸۸) و برای مجاهدان این راه، جایگاهی والا و اجری عظیم مقرر فرموده (نساء: ۹۵) و مجاهدت در راه امنیت جامعه اسلامی با هدف جلب رضایت خداوند را نشانه ایمان حقیقی (حجرات: ۱۵) و تجارتی پرسود می‌داند (صف: ۱۰ و ۱۱) و کسانی که در این راه کشته شوند را به مقام والای شهادت و زندگی جاودانه و بهره‌مندی از رزق الهی وعده داده است (آل عمران: ۱۶۹ و ۱۷۰).

بر کسی پوشیده نیست که اگر مجاهدت‌های خالصانه شهدای صدر اسلام و صحابه ارجمند پیامبر گرامی اسلام (ص) نبود، چیزی از اسلام باقی نمی‌ماند و آنچه سبب تاب‌آوری ستودنی مسلمانان در برابر دشمنان شد، اتکا به ایمان حقیقی و جایگاه رفیعی بود که خداوند متعال برای مجاهدان قرار داده است؛ بنابراین بدون تردید نهاد جهاد در طول تاریخ نقش برجسته‌ای در حفظ کيان اسلام داشته است. نمونه مجسم این نهاد مقدس در دوران معاصر، نیروهای جان برکف ارتش، سپاه و بسیج مردمی هستند که با تقدیم هزاران شهید و جانباز - از دفاع مقدس تا دفاع از حرم و دفاع از امنیت - با ایثار و فداکاری امنیت جامعه اسلامی ایران را فراهم کردند.

۱۰. نهاد حج

برای تبیین فریضه حج به‌عنوان یکی از نهادهای اجتماعی، ابتدا لازم به یادآوری است که بر اساس تعالیم قرآن کریم و سنت نبوی (ص) در حکمرانی اسلامی، حد و مرز جغرافیایی مطرح نیست و ملاک عمل، مرزهای اعتقادی است. به این معنا که اسلام برای انشعاب انسان‌ها در مرزهای جغرافیایی اعتباری قائل نیست. با این حال، انسان‌ها بر اساس تفاوت‌های زبانی، نژادی، اقلیمی یا دیگر عوامل، مرزهایی را به دور خود تنیده و نام آن را «وطن» نهاده‌اند، به وطن خود عشق می‌ورزند و از آن دفاع می‌کنند. این وضعیت به تشکیل کشورهای مستقل منجر شده، و هر کشوری به دنبال بهره‌کشی از کشورهای دیگر است. در نتیجه وحدت نوع انسان به تفرق و تشتت بدل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج: ۴؛ ۱۲۶)؛ اما از آنجاکه اساس دین اسلام بر اجتماع نهاده شده (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج: ۴؛ ۱۴۸)، در کنار تمامی فرائض و احکام اجتماعی، حج نهاد بین‌المللی اسلام است که ضمن تقویت وحدت، امت اسلامی را تقویت می‌کند. هر گاه گروه‌ها و اجتماعاتی از مناطق گوناگون زمین، با نژادها و

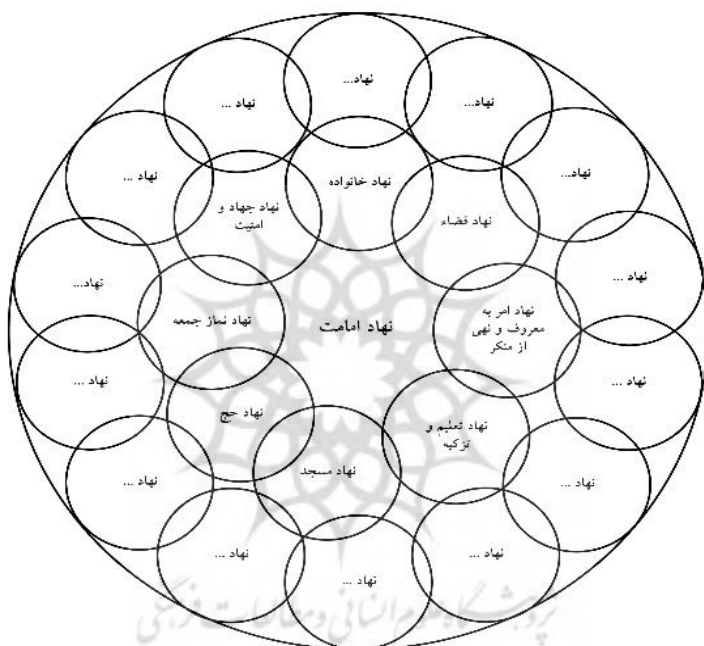
رنگ‌ها و با آداب گوناگون که دارند، گرد آیند و یکدیگر را باز شناسند در حالی که همه بر یک سخن، که سخن حق است، متفق‌اند و پروردگار یگانه را بپرستند و به‌سوی یک قبله رو کنند، این وحدت روحانی، آنان را به اتحاد ظاهری نیز فرا می‌خواند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴: ۲۶۹). وحدت مسلمانان یکی از دو پایه اساسی حج است که چون با ذکر و معنویت - که پایه اساسی دیگر این فریضه پُر راز و رمز است - همراه شود، می‌تواند امت اسلامی را به اوج عزّت و سعادت برساند و آن را مصداق «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» قرار دهد. حج، ترکیبی از این دو عنصر سیاسی و معنوی است و دین مقدّس اسلام آمیزه پُر شکوه و با عظمتی از سیاست و معنویت است (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۴/۱۷)؛ بنابراین حج بزرگ‌ترین فریضه اجتماعی اسلام است و چنانکه امت اسلامی، سر ایستادگی روی پای خود را داشته باشد، مایه آن ایستادگی حج است که به امت اسلامی قیام و قوام می‌بخشد (خوش‌منش، ۱۳۸۹: ۲۷۷). در این اجتماع عظیم، مسلمانان از نقاط گوناگون جهان به یک مکان مقدّس می‌آیند و در کنار هم مناسک حج را انجام می‌دهند. این اجتماع نماد عملی از اتحاد مسلمانان است و به آنها یادآور می‌شود که با وجود تفاوت‌های قومی، زبانی و جغرافیایی، همگی به یک خدا، یک پیامبر و یک کتاب ایمان دارند. انجام مناسک حج در زمان و مکان خاص، سبب اجتماع مسلمانان و ایجاد فرصتی برای وحدت و همبستگی می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه درباره «حکمرانی» و «نهادهای اجتماعی» بیان شد، این نتیجه حاصل می‌شود که الگوی حکمرانی اسلامی، مبتنی بر نظام نهادی اجتماعی است. به این معنا که در حکمرانی نبوی، همه افراد اجتماع نقش، جایگاه و مسئولیت دارند و هرگاه آموزه‌های اسلام به‌درستی به مرحله اجرا در آید، مجموعه‌ای از نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد که مردم به‌طور مؤثر در برپایی و استقرار آنها نقش دارند و حکمرانی اسلامی، متکی بر قوانین و قواعد الهی، به‌صورت فرایندها و سازوکارهایی در تعامل و ارتباط میان آن نهادهای اسلامی تشکیل می‌شود و در این ساختار پیچیده، هر یک از نهادهای اسلامی پاسخگوی بخشی از نیازهایی اجتماعی خواهند بود و در عین حال تمام آن نهادها به‌طور نظام‌مند، در ذیل نهاد امامت قرار دارند که به هم‌افزایی و تقویت آنها می‌انجامد. از ویژگی‌های منحصر به فرد حکمرانی نبوی این است که نه از طریق اعمال قدرت، بلکه از طریق جلب مشارکت

آگاهانه و برخاسته از عقاید و باورهای اسلامی در قالب نهادهای اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر نهادهای اجتماعی اسلام این فرصت را به مؤمنان می‌دهد که وظایف خود در برابر اجتماع را به‌عنوان تکالیف الهی و برای جلب رضایت خداوند انجام دهند. نظام نهادی اجتماعی در اسلام، زمینه‌ساز ایجاد حکمرانی مردم‌پایه با مشارکت حداکثری مردم است. در این نظام، ارتباط میان مردم و مسئولان بر پایه اعتقادات دینی و تعهد متقابل است و این همان چیزی است که حکمرانی اسلامی را به الگویی متمایز و کارآمد تبدیل می‌کند.



شکل ۲. حکمرانی نظام نهادی نبوی

پیشنهاها

شناسایی و بازتعریف نهادهای اجتماعی اسلام: پیشنهاد می‌شود نهادهای اجتماعی اسلام با توجه به آموزه‌های اسلامی و شواهد و گزارشات تاریخی مورد شناسایی و باز تعریف قرار گیرند. نهادسازی راهی به‌سوی ارتقای مشارکت عمومی در حکمرانی: پیشنهاد می‌شود پژوهشی درباره نهادسازی مبتنی بر تعالیم اسلامی و تأثیر آن بر تقویت نقش‌آفرینی مردم در حکمرانی صورت پذیرد.

فهرست منابع

منابع فارسی و عربی

- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*، چاپ سوم، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- بشیری، عباس و شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب)، *بررسی های بازرگانی*، ۸ (۴۸): ۶۹-۸۱.
- پاکنیا، عبدالکریم (۱۳۸۵). *ویژگی های پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله*، قم: نسیم کوثر.
- پنجی، غلامحسین (۱۳۸۱). نقش فرهنگ و ارزش ها در اقتدار ملی، *مطالعات دفاعی استراتژیک*، (۱۳ و ۱۴): ۱۲۳-۱۳۴.
- جمیلی، رشید (۱۹۷۲م). *تاریخ العرب فی الجاهلیه و عصر الدعوة الاسلامیه*، بیروت: ناشر نامشخص.
- حسینی هرندی، محمد حسین (۱۳۹۹). *از پیام تا قیام*، تهران: دین و رسانه (اداره کل پژوهش های اسلامی صدا و سیما).
- خلجی، محمدتقی (۱۳۸۷). *نهاد امامت و آیین حکومت*، قم: صحیفه خرد.
- خوش منش، ابوالفضل (۱۳۸۹). *بیداری و بین الملل اسلامی*، چاپ دوم، قم: موسسه بوستان کتاب.
- خوش منش، ابوالفضل (۱۳۹۲). *دو پیشوای ملل*، چاپ اول، مشهد: بنیاد فرهنگی و هنری امام رضا (ع).
- رستم باز لبنانی، سلیم (۱۹۸۸م). *شرح المجله*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- رشتی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۱ق). *کتاب القضاء*، قم: دار القرآن الکریم.
- رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۲). جوان و فرهنگ های جوانی: بررسی جامعه شناسختی، *ماهنامه معرفت*، (۷۲)، ۲۵-۳۶.
- زندوکیلی، مهدی (۱۳۷۶). *دین نهادی اجتماعی یا حقیقتی فرانهادی؟*، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، (۱): ۳۰-۳۳.
- شکریان، ناصر (۱۳۷۴). *ابعاد حج در قرآن*، ماهنامه معرفت، ۱۵ (۵۷): ۵-۲۵.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*، بیروت: دارالآفاق الجدیدة.

- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). **کتاب العین**، چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
- فرزندی، عباسعلی، شعیب، میثم (۱۴۰۳). مبانی و اصول حکمرانی توحیدی در قرآن کریم، **حکمرانی متعالی**، ۵(۱۸): ۳۱-۹.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالهجره.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). **الکافی (ط - الاسلامیه)**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد (۱۴۱۹ق). **الحاوی الکبیر**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار (ط - بیروت)**، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمودی، ابوالقاسم؛ حبیبی، علی و جمراسی، داوود (۱۴۰۱). نقش مشارکت مردم در تحول حکمرانی، **حکمرانی متعالی**، ۴(۲): ۳۱-۴۶.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). **نظریه سیاسی اسلام**، چاپ دهم، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). **تفسیر نمونه**، چاپ سی و دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- هیشور، محمد (۱۴۱۷ق). **سنن القرآن فی قیام الحضارات و سقوطها**، قاهره: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

References

- Bevir, M. (2012). **Governance: A very short introduction**. Oxford University Press.
- Blunt, P. (1997). **Reconceptualising governance**. Department of Public Affairs, UNDP.
- Calvert, J. (1995). **The rise of the regulatory state in the U.S**. Princeton University Press.
- Commission on Global Governance. (1995). **The report of the Commission on Global Governance: Our global neighborhood**. Oxford University Press.
- Fatile, J. O., Olojede, I., & David, A. K. (2015). Techno-bureaucratic governance and public service delivery: Indonesia and Nigeria in perspectives. **Africa's Public Service Delivery and Performance Review**, 3(3), 149.
- Fenech, B. (2024). Governance. In **A sound approach to noise and health** (pp. 149–185).
- Giddens, A. (2009). **Sociology** (6th ed.). Polity Press.
- Houtepen, A. W. J., & van Henten, J. W. (Eds.). (2021). **Religious identity and the invention of tradition: Papers read at a NOSTER conference, Soesterberg, January 4-6, 1999**. Brill. <https://doi.org/10.1163/9789004494435>
- Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2009). Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators, 1996–2008. **World Bank Policy Research Working Paper No. 4978**.

Matthews, M. R. (Ed.). (2014). **International handbook of research in history, philosophy and science teaching**. Springer Netherlands. <https://doi.org/10.1007/978-94-007-7654-8>

North, D. (1990). **Institutions, institutional change, and economic performance**. Cambridge University Press.

Oxford University Press. (2024). Government. In ***Oxford English Dictionary Online***. Retrieved January 27, 2025, from <https://www.oed.com>

Parsons, T. (1951). **The social system**. Free Press.

Plumpton, T., & Graham, J. (1999). **Governance and good governance: International and aboriginal perspectives**. Ottawa: IOG.

Provan, K. G., & Kenis, P. (2008). Modes of network governance: **Structure, management, and effectiveness**. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(2), 229-252.

Pyper, R., & Robins, L. (Eds.). (2000). **United Kingdom governance**. Oxford University Press.

Rose, R. (2018). **Bad governance and corruption**.

Scott, R. W. (2008). **Institutions and Organizations: Ideas, Interests, and Identities** (3rd ed.). Sage Publications.

Vymětal, P. (2007). **Governance: Defining the concept**. Oxford University Press.

Wilson, J. Q. (1989). **Bureaucracy: What government agencies do and why they do it**. Basic Books.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

